

ظرفیتهای قانونی برای توسعه بخش های صنعت و معدن

ظرفیتهای قانونی برای توسعه بخش های صنعت و معدن

ماده ۲۳۴ قانون برنامه پنجم توسعه، شش هدف اصلی برای این برنامه ترسیم کرده است، از جمله رسیدن به نرخ متوسط رشد ۸٪ سالیانه تولید ناخالص داخلی، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، کاهش نرخ بیکاری، کاهش سطح فقر و غیره.

با توجه به ظرفیتهای بسیار بالای بالقوه و بالفعل کشور، بخشهای صنعت و معدن می توانند نقش اساسی در تحقق اکثر این اهداف و رسیدن به شکوفائی اقتصادی کشور داشته باشند. بخش صنعت حتی قادر است موجب احیاء برخی از بخشهای دیگر خصوصاً بخش کشاورزی گردد. صنایع تکمیلی و تبدیلی که با تکنولوژی و منابع مالی متوسط قابل تامین هستند، تحول بزرگی در اقتصاد کشاورزی و اقتصاد روستائی در کشور ایجاد می کنند.

صنایع کشور همچنین قادر به کاهش وابستگی صنعت نفت کشور به صنایع خارجی می باشد. علیرغم این ظرفیتهای، متأسفانه شاهد جایگاه واقعی صنایع و معدن در اقتصاد کشور نمی باشیم. برخی با نادیده گرفتن ناکارآمدی بخشهای صنعت و معدن، همواره موانع و خلاء های قانونی را عامل اصلی عدم موفقیت معرفی می کنند. در صورتی که با مروری به سیاستها و قوانین شاهد موارد متعددی از حمایتهای قانونی از این دو بخش صنعت و معدن می باشیم.

اصل ۴۴ قانون اساسی که هسته اصلی این اصول اقتصادی نظام جمهوری اسلامی را تشکیل می دهد با این جمله کلیدی آغاز می گردد:

{ نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. }

لذا قانون اساسی از آغازین روزهای شکل گیری نظام و علیرغم شرایط حساس انقلابی حاکم بر جامعه، به اقتصاد مبتنی بر برنامه ریزی منظم و صحیح تاکید داشته است. موضوعی که به شدت طی چند دهه گذشته به علل مختلف خصوصاً رویکردهای انفعالی و احساسی در فضای اجرائی و قانونگذاری، اقتصاد کشور از آن محروم بوده است.

سیاستهای کلی نظام در حوزه اقتصاد نیز همواره جهت گیری بسیار مثبتی در قبال توسعه کمی و کیفی صنعت و معدن داشته و احکام مشخصی در این رابطه وضع کرده اند. اگرچه بنظر نگارنده تدوین مشخص موضوعات اولویت دار، بجای درج احکام کلی و ارائه موضوعاتی با قابلیت اجرایی، می توانست اثربخشی آنها را بیشتر سازد. برای نمونه بند "ارتقاء سهم معدن و صنایع معدنی در تولید ناخالص ملی" مقرر در سیاستهای کلی نظام در بخش معدن، مسیر مشخصی برای متولیان این بخش ترسیم نمی کند. برخی از این سیاستهای کلی نظام که طی چند سال اخیر مشخصاً توسعه صنعت و معدن را مورد تاکید قرار داده اند، فهرست وار عبارتند از:

- سند چشم انداز
- سیاستهای ضد انحصار
- سیاستهای کلی امنیت اقتصادی
- سیاستهای کلی برنامه پنجم توسعه
- سیاستهای کلی نظام در بخش صنعت
- سیاستهای کلی توسعه بخش های غیر دولتی از طریق واگذاری فعالیتهای و بنگاه های دولتی
- سیاست های کلی نظام در مورد بخش معدن
- سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی

برخی از محورهای این سیاستها در ارتباط با توسعه صنعت عبارتند از :

- الف) بهاء دادن به اقتصاد مردمی از طریق کاهش تصدی گری دولت و نهادهای عمومی ،
- ب) رقابتی شدن اقتصاد و مبارزه با انحصارات (اعم از انحصارات دولتی و یا اشخاص خصوصی)
- ج) تاکید بر اقتصاد دانش بنیان ، از طریق توجه علمی به کلیه مراحل تولید و استفاده از متخصصین علوم انسانی در امور ذی ربط صنعت خصوصاً در حوزه های مدیریت و سازمان و تشکیلات
- د) برقرای امنیت اقتصادی ، که پیش نیاز هر گونه سرمایه گذاری در حوزه صنعت و معدن محسوب می شود
- ه) شفاف سازی و سالم سازی اقتصاد که در سیاستهای اقتصاد مقاومتی مورد تاکید قرار گرفته به دو عنصر مهم در توسعه اقتصاد و صنعت اشاره دارد

(۱) شفاف سازی

پیچیدگی قوانین و مقررات ، موجب رفتار سلیقه ای مامورین دولت و در مواردی سوء استفاده آنها خواهد شد . در اینچنین فضائی کسب و کار رونق نداشته و ریسک سرمایه گذاری اعم از داخلی و خارجی بشدت

افزایش خواهد یافت. باید شدیداً مراقبت گردد که "تب" تصویب قوانین و مقررات مختلف برای حمایت از تولید و صنعت، نقض غرض نشده و به عامل مخل تولید تبدیل نگردد.

(۲) سالم سازی

بدون فراهم شدن بستر سالم اقتصادی، کارآفرینان واقعی قادر به نمایش نبوغ و خلاقیت‌های خود در داخل کشور نبوده و بعضاً این استعدادها جذب محیط‌های مستعد خارجی می‌گردد.

بزرگترین ضامن اجرای برقراری امنیت اقتصادی و فضای سالم اقتصادی دستگاه قضائی و ضابطین آن می‌باشند، که می‌توانند نقش اساسی در ترغیب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ایرانی داخل و خارج کشور همچنین سرمایه‌گذاران خارجی در صنایع و معادن کشور با جذابیت‌های اقتصادی فراوان داشته باشند. این مجموعه سیاستها، فضای حقوقی بسیار مساعدی را برای توسعه بخش‌های صنعت و معدن مهیا کرده‌اند مشروط به اینکه

اولاً، با وضع قوانین و مقررات پراکنده و غیر هم‌سو با این سیاستها، اهداف و برنامه‌های مقرر در این سیاستها منحرف نگردد. (خوشبختانه اخیراً اقداماتی برای کنترل عدم مغایرت طرحها و لوایح با سیاستهای کلی نظام صورت گرفته است، که این موضوع می‌تواند تاثیرگذاری سیاستها را بیش از گذشته نماید).

ثانیاً، با تدوین سیاستها و قوانین مناسب فقط نیمی از راه طی می‌شود، و برای رسیدن به مقصد می‌بایست همراهی سازمانهای اجرائی، از جمله گمرکات، سازمانهای مالیاتی، تامین اجتماعی و حتی شهرداریها تضمین گردد. نظارت بر مجریان در دستگاهها و سازمانهای دولتی برای پرهیز از وضع رویه و یا سلیق شخصی خود و پیچیده کردن مراحل اجرائی، بعنوان سد نامرئی فراروی توسعه بخشهای صنعت و معدن، تکمیل‌کننده سیاستها و قوانین حمایتی است که در این زمینه کار بسیار دشوار است. (باید فرهنگ خود محوری حاکم بر برخی از سازمانها و دستگاههای اجرائی به فرهنگ سیاست و قانون محوری تغییر یافته و این سازمانها با درک شرایط جهانی، با صاحبان صنایع و معادن ایران در عرصه جنگ جهانی اقتصادی بعنوان افسران این کارزار برخورد کنند و نه صرفاً بعنوان ارباب رجوع!)

تایید تهیه کننده:	تایید مدیر ذیربط:	تایید حوزه ریاست:	تایید رییس موسسه:
☐ رضا پاکدامن			